

حقوق پناهندگی در نظام حقوقی بین المللی

پوهنیار نورمحمد حشمت^۱

پوهندوی ذبیح الله قریشی^۲

خلاصه

حقوق پناهندگی یکی از موضوعات مهم حقوق بین الملل است که به تازه گی وارد مباحث حقوق بین الملل خصوصی شده است. گسترش جنگ و بی ثباتی در کشور ها و نقض قوانین داخلی و بین المللی موضوع پناهندگی را شدت بیشتر بخشیده است. جنگ ، بی ثباتی و استبداد باعث میگردد که اتباع یک کشور به کشور های دیگر به دلایلی مجبور به پناهندگی شوند.

بنأ به خاطر درک بهتر از وضعیت پناهندگی و حقوق پناهندگان نیاز مبرم است تا بطور همه جانبه حقوق پناهندگی مورد بحث قرار گیرد. هدف اساسی این تحقیق این است که پناهندگان و حاکمان از حقوق پناهندگی در نظام حقوق بین المللی آگاهی حاصل نمایند. با درک بهتر از این حقوق حد اقل نقض حقوق پناهندگان کاهش می یابد.

در انجام این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده به عمل آمده است. شیوه تحقیق بیشتر کتابخانه یی است و به استناد به اسناد بین المللی و قوانین نافذ کشور بررسی می گردد.

کلید واژه : حق پناهندگی ، عوامل پناهندگی، وضعیت حقوقی پناهندگان در نظام بین المللی.

مقدمه

دولت ها برای اتباع شان یک سلسله حقوق را بنام حقوق اساسی اتباع در

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی: نویسنده مسئول

^۲ عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه البیرونی: تقریظ دهنده

قانون اساسی شان درج میکنند. اتباع در چهارچوب همین حقوق به زندگی عادی شان ادامه میدهند. اما اتفاق می افتد که حکومت ها، مستبدانه عمل نمایند و حقوق اتباع شان را بنابر دلایل سیاسی، تبعیض نژادی، مذهبی و گروهی نقض نمایند و یا در بعضی حالات استثنایی نیز اتباع یک کشور با توجه به حالات اضطراری و ناگوار کشور به کشور دیگری پناهنده شوند. در این صورت تبعه یک کشور از حق پناهندگی خود استفاده میکند و از کشوری که در آن پناه برده است تقاضای پناهندگی می کند.

در قرن حاضر آنچه تحت عنوان حق پناهندگی باب شده است از زاویه دیگری در امور سیاسی تحت عنوان حق تقاضای پناهندگی مورد توجه میباشد. بدین معنی که از طرف جامعه جهانی تقاضای پناهندگی به عنوان یک حق شناخته میشود، ولی اعطای آن به متقاضی الزامی نیست.

غالباً کشورهای پیشرفته در کنفرانسها وقطعنامه های سیاسی خود، به منظور حفظ حقوق و حیثیت انسانی همواره بر آزادی افراد در داشتن هر گونه اندیشه های سیاسی و باورهای مذهبی پای فشرده اند، و از این نکته نیز غافل نشده اند که با ایذا و آزار رنگین پوستان توسط نژاد پرستان به مبارزه بر خیزند که نتیجه همه این کوششها و آرمانخواهی های انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر منعکس گشته است. ولی با تمام این اوصاف هیچ قاعده و قانونی نمی تواند دولتی را ملزم به اعطای امتیاز پناهندگی سیاسی به فرد یا جمعیتی نماید. چرا که در غیر آن صورت حاکمیت انحصاری دولتها مورد سوال قرار میگیرد و این مسئله ای نیست که حقوق بین الملل عمومی از کنار آن بی تفاوت گذر کند. { فرهیخته، ۱۳۷۷: ۳۵۴ }

دولت ها بر حاکمیت شان اصرار میورزند که نباید نقض گردد. اما اینکه به معاهدات بین المللی مثل معاهده ۱۹۵۱ حقوق پناهندگی تعهد کرده باشند. ملزم هستند که حق پناهندگی را رعایت نمایند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۴ آن به صراحت حق پناهندگی را به رسمیت شناخته است: هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه، و آزار، پناهندگی جستجو کند و درکشور های دیگر پناه اختیار

نماید. در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشند نمیتوان از این حق استفاده کرد. {اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸}

مسلم است فرد نباید به جرم عمومی ایکه منافع ملی کشور را صدمه بزند مرتکب شده باشد و یا اینکه مخالف مقاصد سازمان ملل متحد که همانا حفظ صلح و امنیت بین المللی است عمل بکند.

بیان مسأله

جهان کنونی به شش قاره : آسیا ، امریکا، استرالیا ، اروپا ، افریقا و انترکتیکا تقسیم شده است. کشورهاییکه در محدوده این قاره ها وجود دارند به ۱۹۵ دولت تقسیم شده اند. {عبدالله، ۱۳۹۵: ۳}

جمعیت یکی از عناصر اصلی این دولت ها است. ایجاد یک دولت بدون جمعیت یا نفوس امکان پذیر نیست. جمعیت یک کشور رابطه حقوقی ، سیاسی و معنوی با دولت خویش دارد. با ایجاد این رابطه دولت در مقابل نفوس بعضی مکلفیت های دارد و ملت در مقابل دولت از بعضی مکلفیت ها برخوردار میگردد.

این حقوق با توجه به نظام های سیاسی کشور ها که مردم سالار هستند یا نیستند در قالب قانون اساسی کشور ها منحصراً یک سند بنیادی حقوقی مطرح میگردد. مثلاً قانون اساسی افغانستان حقوق و واجبات اتباع را در فصل دوم خویش مطرح کرده و سایر فصل های قانون اساسی وظایف دولت را در مقابل ملت مشخص میکنند. همین رویه در تمام دنیا وجود دارد. اما در حالات استثنایی و اضطراری بعضی دولت ها که به نحوی مطلقه و استبدادی عمل میکنند. اتباع شان را از حق زندگی در کشور متبوع شان محروم میسازند. اینجاست که پناهندگی مطرح بحث قرار میگردد. یک تبعه به دلایل سیاسی، مذهبی ، جنسی و یا قومی و نژادی کشور خود را ترک میکند و بطور غیر قانونی آن به کشور دیگر پناهنده میشود.

این وضعیت تبعه یک کشور مجبور به ترک وطن خویش می‌گردد، حایز اهمیت است که مورد مطالعه و بحث قرار گیرد. روی این منظور بود بیان مسئله وضعیت پناهندگی و مطالعه آن در نظام حقوقی بین‌المللی مطرح گردید.

پیشینه تحقیق

پناهندگی یکی از موضوعات مهم جهانی است که به تازگی وارد مباحث حقوق بین‌المللی خصوصی شده است. اما ریشه این کلمه به قبل از اسلام در یونان باستان و روم باستان و دوره‌های تاریخی اسلام برمیگردد.

در کتب حقوق بین‌الملل خصوصی نویسندگان زیادی پیرامون این موضوع نوشته‌هایی داشته‌اند. مثلاً پوهنوال ولی محمد ناصح در کتابش تحت عنوان حقوق بین‌الملل خصوصی تعارض قوانین، تابعیت، اقامتگاه و وضعیت حقوقی خارجی‌ها پناهندگی را طی یک فصل مورد مطالعه و بحث قرار داده است. دکتر سید محمد هاشمی در کتابش تحت عنوان حقوق بشر و آزادیهای اساسی نیز در فصل اخیرش حقوق پناهندگان را طی دوره‌های تاریخی مورد مطالعه قرار داده است. عاطفه احمدی در مقاله‌ای خویش تحت عنوان حقوق پناهندگان در اسناد بین‌المللی تمرکز کرده است. موصوف مسایل کلی را در چهارچوب اسناد بین‌المللی مطرح کرده اما مسایل را به گونه واضح توضیح نداده است.

ضرورت و اهمیت

۱. حق پناهندگی یکی از بنیادی‌ترین موضوع مورد بحث در مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی به شمار می‌رود. تحقیق پیرامون این موضوع در انکشاف مضمون حقوق بین‌الملل خصوصی، در دیپارتمنت حقوق خصوصی دانشکده حقوق نقش اساسی دارد.

۲. عده زیادی از مردم افغانستان به کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند، بهتر است هم دولت افغانستان و هم مردم افغانستان از حق پناهندگی در نظام حقوقی بین‌المللی آگاهی حاصل نمایند.

۳. پرداختن به وضعیت پناهندگی که اتباع کشورها به آن دست و پنجه نرم میکنند. همچنان موضع گیری کنوانسیونها و اعلامیه های جهانی پیرامون وضعیت حقوقی پناهندگان مواردی است که باید مورد تفسیر و تعبیر قرار گیرند.

۴. هدف اصلی تحقیق: آشکارشدن مسایل و موضوعات حقوق پناهندگی در نظام حقوق بین المللی.

اهداف فرعی قرار ذیل اند:

۱. توضیح حق پناهندگی در روشنایی قانون که در انکشاف مضمون حقوق بین الملل خصوصی کمک کننده است.
۲. تشخیص مشکلات و راه حل پناهندگی در قوانین افغانستان.

سوال اصلی: پناهندگان در چهارچوب قوانین بین المللی از کدام حقوق برخوردارند؟
سوالات فرعی

۱. علل پناهندگی چیست؟
۲. آیا نظام حقوقی افغانستان موقف مشخصی پیرامون پناهندگان دارد؟

روش انجام تحقیق: در انجام این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده به عمل می آید. شیوه تحقیق بیشتر کتابخانه بی است و به اسناد بین المللی و قوانین نافذ کشور مراجعه میگردد. روش تحقیق در این مقاله بیشتر اصلاحی است.

مفاهیم پناهندگی: پناهندگی مفهوم اخلاقی است که تاریخ آن به قدمت تاریخ انسانها برمیگردد تا آنجا که برخی معتقد اند آدم ع و بی بی حوا نخستین پناهندگان تاریخ هستند که پس از اخراج از بهشت به زمین پناهنده شدند.

پناهندگی قبل از اسلام: در یونان باستان معابد و مجسمه خدایان محل امنی بود که پاره ای از محکومان به مرگ ، با ادعای بیگناهی بدان پناه می بردند. حق پناهندگان در این خصوص آن چنان استوار بود که اگر شخصی بدون رعایت قواعد مرسوم معترض پناهنده می شد، عمل او تجاوز به حقوق خدایان محسوب و نقض کننده به مجازات های سخت محکوم میشد.

در روم باستان نیز حاکم یک سرزمین از اتباع و فراریان سرزمین دشمن می خواست به سرزمین او پناه آورند و در آنجا زندگی کنند. معروف است که رومولوس بنیانگذار امپراطوری روم در نزدیکی پایتخت خود محلی را به عنوان مکان امن تعیین کرده بود تا کسانی که مایل هستند به آنجا پناه برند و با او بیعت کنند. در ادیان قبل از اسلام نیز حمایت پناهندگان مورد توجه قرار گرفته است؛ همچنانکه در کتاب عهد عتیق تورات پناه دادن به بیگانه اینگونه توصیف شده است: غریبی در میان شما ماوا گزیند مثل متوطن از شما باشد، او را میازارید و او را مثل خود محبت نمایید. {هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۱۱-۶۱۲}

مفهوم اسلامی پناهندگی : اسلام با کفار و منافقان از راه اصلی و انعقاد پیمان همزیستی وارد میشود ، نسبت به بیگانگان غیر مسلمان نیز در صورت پناه جستن ، به آنان پناه می دهد. {هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۱۴}

فقه های اسلامی مشروعیت قرار دادن امان (پناهندگی) را از منابع ذیل به دست آورده اند: خداوندج در قران مجید ، با این قید که هدف اسلام تعمیم توجه به قوانین حق و عدالت است می فرماید: و ان احد من المشرکین استنہجارك فاجرہ حتی یسمع کلام اللہ ثم ابلغه مامنہ ذالک بانہم قوم لا یعلمون . ترجمه: اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود و بدان بیندیشد؛ آنگاه او را به محل امنی که خود میخواهد برسان { قران کریم: توبه ، آیه ۶}.

بنأ در دین مقدس اسلام حق پناهندگی به رسمیت شناخته شده است و حکومت اسلامی مکلف است که برای درخواست دهنده حق پناهندگی مکان امن و مناسبی را تهیه و حقوق آن را مورد حمایت قرار دهد.

تعریف پناهندگی: اصطلاح پناهندگی از قرن ها پیش در مفهوم علوم اجتماعی آن کار برد داشته است. در این مفهوم پناهنده به اشخاصی گفته میشود که در هرزمان و به هر دلیل مجبور به ترک خانه و وطن خود برای یافتن پناهندگی در جای دیگر باشد. در معنی عام نیز پناهنده شامل تمام افرادی می شود که به خاطر اوضاع و احوال و شرایط غیر قابل تحمل برای آنها از وطن خود گریخته و در کشور دیگر پناه جویند. دلایل فرار آنها نیز ممکن است متفاوت باشد، مانند ظلم و ستم ، تهدید نسب به حیات و آزادی ، فشار فقر، جنگ ها و نزاع های داخلی و بلاهای طبیعی { ناصح، ۱۳۹۵: ۴۸۰}.

کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگی پناهنده را چنین تعریف نموده است: پناهنده به شخصی اطلاق میگردد که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد ، مذهب، عضویت در گروه های خاص اجتماعی یا داشتن عقیده سیاسی تحت اذیت قرار گیرد، در خارج از کشور تابعیت خود بسر می برد و نمی تواند ، یا به علت ترس مذکور نمی خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد در صورتیکه فاقد تابعیت است و در نتیجه چنین حوادث در خارج از کشور محل سکونت دایمی خود بسر میبرد، نمیتواند یا به علت ترس مذکور نمی خواهد به آن کشور باز گردد {وزارت عدالیه، ۱۳۸۵}.

پناهنده ممکن از اثر ناملایمات اجتماعی به شمول جنگ های داخلی توسط حکومت فراری شود و یا ممکن توسط فعالین نظامی مثلاً مخالفین مسلح یک دولت مجبور به ترک وطنش گردد. برای درک وضعیت پناهندگی همینقدر کفایت میکند که شخص به اساس رضایت خود وطنش ترک نکند بلکه مجبور گردانیده شود که قصداً جلای وطن کند.

علل و دلایل پناهندگی: پناهندگی ممکن است به یکی از دلایل ذیل صورت گیرد:

۱. نژاد

۲. مذهب

۳. ملیت

۴. عضویت در گروه اجتماعی

۵. داشتن عقیده سیاسی خاص {ناصح، ۱۳۹۵: ۴۸۱}

برای درک بهتر هر کدام از دلایل فوق لازم است توضیح مختصر ارائه گردد.

۱. **نژاد** : در لغت به معنی اصل ، نسب ، سرشت. در اصطلاح اقوامی را می گویند

که از لحاظ اصل و نسب و علامات ظاهری از قبیل رنگ پوست بدن و قیافه و اسخوان بندی و خصوصیات روحی و اخلاقی باهم مشابهت دارند. { عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۱۷} عامل بیشترین جنگ های داخلی نژاد بوده است. حتی یک عامل جنگ های جهانی اول و دوم همین نژاد بوده است. برای اتباع یک کشور نژاد در بسیاری از موارد درد سر ساز است. بسیاری از مواقع به خاطر اختلال در برنامه های افراد که فعالیت سیاسی و یا اجتماعی می نمایند دچار تبعیض میشوند. اینجاست که این افراد چاره ای ندارند جز پناهنده شدن.

۲. مذهب : مذهب در ایجاد یکی سازی مردم نقش مهم را بازی میکند. در میان

یهودی ها مذهب انگیزه اصلی زندگی ملی شان است. کلیسا کاتولیک یونان یونانی ها را توانایی آنها داد که چندین قرن در مقابل متجاوزین مبارزه کردند. دین اسلام یکی از عامل مهم ایجاد پاکستان است. کلیسا و دولت سالها روابط ذات البینی داشتند. اما در دنیای مدرن با اغماض مذاهب مردم باورمند به مذاهب مختلف با هم آمیخته شده اند و امروز مذهب آنقدر یک عامل عمده و تاثیرگذار نیست {Sing, 1391:48}.

۳. ملیت : لورت برایش معتقد است که ملیت نفوسی است که توسط مسایل

خاص مثل لسان ، ادبیات، مفکوره ، رسم ها و سنت ها ایجاد شده باشد که با همین احساس ها متحد و باهم چسبیده، از دیگر نفوس خود را مجزا میدانند {Sing, 1391:41}.

۴. بسیاری از امپراطوری‌ها به خاطر ملیت از هم پاشیده شده‌اند و به دولت‌های کوچک و ذره‌بینی تقسیم شده‌اند. برای بسیاری از فعالین سیاسی ملیت‌شان درد سر ساز است. مثلاً امروز کورد‌های ایران، سوریه، ترکیه و عراق تلاش میکنند که دولت کوردی را تشکیل بدهند. اما این کوردها توسط دولت‌های شان سرکوب میشوند و بسیاری‌شان به کشورهای دیگر پناهنده میشوند.

۵. **عضویت در گروه‌های اجتماعی:** در جوامع امروزی عده‌ای از مردم به خاطر رسیدن به یک سلسله مقاصد مشخص فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، نهادها و جمعیت‌ها را شکل داده‌اند. بعضی اوقات با تنازع منافع این گروهک‌های کوچک و بزرگ، اعضای این گروه‌ها صدمه می‌بینند. با برخورد منافع اعضای بسیار کلیدی این گروه‌های اجتماعی از کشور اجدادی‌شان فراری میشوند. مجبور میشوند خاک‌شان را ترک کنند و به کشورهای بیگانه پناهنده شوند. فراری کردن این افراد مغایر قوانین و اعلامیه‌های جهانی است.

۶. ماده ۲۳ بند ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد صراحت دارد: هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل بدهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت نماید. { اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸ }

۷. ماده ۳۵ قانون اساسی افغانستان پیرامون ایجاد گروه‌های اجتماعی و فعالیت در آنها صراحت دارد. اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون جمعیتها تاسیس نمایند. { ۸: قانون اساسی ج.ا. افغانستان } بنأ هرگونه فشار و تهدید بر عضویت یک فرد در یک گروه اجتماعی مغایر قوانین ملی و بین‌المللی است.

۸. **داشتن عقیده سیاسی خاص:** عقاید سیاسی ممکن بطور انفرادی و یا جمعی متبلور گردد. افراد ممکن است متأثر از عقاید‌شان شوند. بسیاری از پناهندگان به خاطر عقاید سیاسی‌شان پناهنده شده‌اند. عقاید سیاسی بیشتر در قالب احزاب انعکاس پیدا میکنند. این احزاب هستند که برای اعضای‌شان برنامه

میدهند و اعضا مکلف هستند که خط مشی را تعقیب نمایند. لازم است تعریف مشخص از حزب هم ارایه گردد.

گلچرست معتقد است: یک حزب سیاسی به گروه سازمان یافته ای از شهروندان اطلاق میگردد که ادعای شریک ساختن دیدگاه سیاسی مشابه را داشته باشند و به عنوان یک واحد سیاسی عمل نمایند، هدف اساسی شان کنترل یک حکومت و یا انتقاد بر آن است. {Sing, 1391:23}

احزاب همیشه در صدد آن هستند که به قدرت برسند. هدف نهایی و اساسی تمام اعضای احزاب رسیدن به قدرت است. برای رسیدن به هدف شان راهی ندارند جز اینکه خلاها و نواقص حکومت را برملا سازند و حکومت را نقد کنند. اینجاست که حکومت ها هرچند که دیموکراتیک باشند به خاطر اینکه افکار عامه تغییر نکند و برنامه های حکومت را مختل نسازد، اعضای احزاب را سرکوب میکند. یا به زندان انداخته میشوند و یا اینکه راه هایی برای شان آماده میشود که کشور را ترک نمایند. بنأ عقاید سیاسی نیز باعث پناهنده شدن افراد میگردد.

بطور اجمالی پیرامون عوامل نژاد، ملیت، مذهب، عقاید سیاسی ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین صراحت دارد: هرکس میتواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان مذهب، عقیده سیاسی، و هر عقیده دیگر و همچنان ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادیهایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد. بر علاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری، قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. {اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸}

ماده یکم اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز پیرامون این موضوع چنین صراحت دارد: بشر بطور کلی یک خانواده می باشد که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی

نسبت به آدم آنها را به هم گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت بدون هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و ... برابر اند. ضمناً عقیده صحیح تنها تضمینی برای رشد این شرافت از راه تکامل انسانی میباشد (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ۱۳۶۹).

نظام حقوقی بین المللی پناهندگی : شروع توافقی بین المللی پیرامون پناهندگی را باید از زمان تشکیل کنگره ها و کنفرانسها و رواج انعقاد معاهدات در پایان قرن نوزدهم دانست؛ از جمله آنکه کنفرانسهای صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ قراردادهای مهمی پیرامون پناهندگی مورد قبول دولت ها قرار گرفت و به دولت های بی طرف حق داده شد به افراد طرفین متخاصم پناه دهند و از آنها نگهداری کنند.

پس از تاسیس جامعه ملل در ۲۸ ژون ۱۹۱۹ در ژون ۱۹۲۱ شورای این جامعه نسبت به تشکیل کمیساریای عالی کمک به پناهندگان روس اتخاذ تصمیم نمود. پس از پایان جنگ جهانی دوم به خاطر افزایش تراکم پناهندگان قربانی جنگ که قادر و مایل به بازگشت به وطن اصلی خود نبودند ، با تشکیل سازمان بین المللی پناهندگان وابسته سازمان ملل متحد تا ۱۹۵۱ به زندگی ابتدایی ده ها هزار پناهنده سر و سازمان داده شد.

با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ موضوع پناهندگان نیز مورد توجه قرار گرفت. در ۲۸ ژنوری ۱۹۵۱ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان که در ۲۶ ماده تهیه شده و تاکنون مهمترین سند بین المللی پناهندگی محسوب میشود ، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این سند همراه پروتوکل مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۸ نوامبر ۱۹۴۶ ، اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۵۰ و اعلامیه مربوط به پناه گرفتن در قلمروها مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۷ مجموعه اسناد بین المللی لازم الاجرا هستند (هاشمی، ۱۳۹۱: ۶۱۵-۶۱۶)

از آنجائیکه مهمترین سند بین المللی پیرامون وضعیت حقوقی پناهندگان کنوانسیون ۲۸ جولای ۱۹۵۱ می باشد که دولت افغانستان نیز به این کنوانسیون ملحق گردیده است. بدین ملحوظ محور بحث خویش وضعیت حقوقی پناهندگان در چهارچوب همین کنوانسیون قرار می دهیم.

احوال شخصیه: دانستن مسایل مطرح بحث کنوانسیون پیرامون احوال شخصیه مستلزم دانستن احوال شخصیه است. داکتر ناصر کاتوزیان تعریف احوال شخصیه را چنین تعریف میکند: احوال شخصیه به معنی اوصاف و خصوصیات است که وضع و هویت شخصی و حقوق و تکالیف فرد را در اجتماع معین میکند.

ماده ۱۲ کنوانسیون چنین صراحت دارد:

۱. احوال شخصیه پناهنده تابع قوانین کشوری است که در آنجا اقامت دارد ولی چنانچه فاقد محل اقامت باشد تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود.
۲. حقوقی که پناهنده قبلاً کسب نموده و مربوط باحوال شخصیه او می باشد مخصوصاً حقوق مربوط به ازدواج باید از طرف هر دولت متعاقد محترم شمرده شود بشرط آنکه در صورت لزوم تشریفات پیش بینی شده در قوانین دولت مزبور را انجام دهد. بدیهی است حق مورد بحث باید از جمله حقوقی باشد که طبق قوانین دولت مذکور چنانچه وی پناهنده هم نباشد شناخته شده باشد.

ماده ۱۷ قانون مدنی افغانستان در مورد احوال شخصیه افراد چنین صراحت دارد: در مورد تثبیت احوال مدنی و اهلیت اشخاص ، قانون دولت متبوع آنها تطبیق می گردد، تصرفات مالی که در افغانستان عقد گردیده و آثار مرتبه آن نیز در آن بوجود آمده باشد، در حالیکه یکی از طرفین عقد تبعه خارجی بوده و ناقص اهلیت باشد طوریکه نقص اهلیت آن مبنی بر سبب خفی باشد، با آنهم واجد اهلیت کامل شناخته میشود. بطور مشخص پیرامون عقد ازدواج ماده ۱۹ قانون مدنی افغانستان چنین صراحت : در مورد شرایط موضوعی صحت ازدواج ، قوانین متبوعه هریک از

زوجین تطبیق می‌گردد، و در شرایط شکلی ازدواج، احکام قانون مملکتی رعایت می‌گردد که ازدواج در آن صورت گرفته است. {صارم، ۱۳۸۴: ۳}

وضعیت حقوقی اموال منقول و غیرمنقول پناهنده: ماده ۱۳ کنوانسیون پناهندگی چنین صراحت دارد: دول متعاقد در مورد تحصیل اموال منقول و غیرمنقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیرمنقول یا پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سرحد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در اینگونه موارد نسبت به بیگانگان به طور اعم بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

قانون مدنی افغانستان نیز پیرامون این موضوع خاموش ننشسته است ماده ۲۶ ق.م. افغانستان در این خصوص حکم می‌نماید که: حیات ملکیت و سایر حقوق عینی، قانون محلی تطبیق می‌گردد که عقار در آن واقع باشد، در مورد اموال منقول قانون محلی تطبیق می‌گردد که اموال منقول حین تحقق اسبابیکه بر آن اکتساب و یا از دست دادن حق مرتب گردیده، در محل مذکور موجود بوده است. {صارم، ۱۳۸۴: ۴}

مالکیت معنوی و صنعتی: ماده ۱۴ کنوانسیون پناهندگی پیرامون مالکیت معنوی و صنعتی چنین صراحت دارد: در مورد حمایت از مالکیت صنعتی بخصوص حمایت از اختراعات طرحها و مدلها، علائم تجارتي و اسامي تجارتي و همچنین حمایت از مالکیت ادبی و هنری و علمی پناهنده در کشوری که معمولاً سکونت دارد مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشوری که پناهنده در آن سکونت دارد معمول گردد.

حق عضویت در جمعیت های غیر سیاسی و غیر انتفاعی: ماده ۱۵ کنوانسیون پناهندگی در مورد حق عضویت چنین صراحت دارد: در مورد عضویت در جمعیت های غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاهای حرفه ای دول متعاقد نسبت به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارند مساعدترین رفتاری را که در چنین مواردی در مورد اتباع دول خارجی بعمل می‌آورند معمول خواهند داشت.

حق مراجعه به محاکم: ماده ۱۶ کنوانسیون پناهندگی پیرامون حق مراجعه به محاکم چنین صراحت دارد:

۱. هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاقد آزادانه به محاکم قضائی مراجعه نماید.

۲. هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی اوست در مورد دسترسی به محاکم از جمله استفاده از معاضدت قضائی و معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی از همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

۳. هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاقد دیگر غیر از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد مسائل مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که در بین اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.

مشاغل انتفاعی: ماده ۱۷ کنوانسیون پناهندگی در مورد اشتغال با دستمزد چنین صراحت دارد:

۱. در مورد حق اشتغال بکار با دریافت دستمزد هر دولت متعاقد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند مطلوب‌ترین رفتاری را که در چنین موارد، نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد بعمل خواهد آورد.

۲. در هر حال مقررات محدود کننده‌ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان به منظور حمایت از بازار داخلی کار وضع می‌گردد درباره پناهنده‌ای که در تاریخ اجرای این کنوانسیون در سرزمین دولت متعاقد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده و یا واجد یکی از شرایط زیر باشد اجراء نخواهد شد:

الف - مدت سه سال در کشور سابقه سکونت دارد.

ب - همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت اوست. پناهنده‌ای

که با همسرش متارکه کرده نمی‌تواند به مقررات این بند استناد نماید.

ج - فرزند یا فرزندان‌ی دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او می‌باشند.

۳ - دول متعاقد با نظر مساعد کوشش خواهند کرد که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان خصوصاً پناهندگانی را که به موجب برنامه‌های مربوط به استخدام کارگر یا برنامه‌های مهاجرتی وارد سرزمین آنها شده‌اند با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان نمایند.

حرفه های آزاد علمی: ماده ۱۹ کنوانسیون پناهندگی پیرامون حرفه‌های آزاد علمی چنین صراحت دارد:

۱. هر یک از دول متعاقد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین آنان ساکن می‌باشند و دارای مدرک تحصیلی می‌باشند که از طرف مقامات آن دولت برسمیت شناخته شده است و مایلند به حرفه‌های آزاد علمی اشتغال داشته باشند رفتاری معمول خواهد داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

۱. دول متعاقد حداکثر کوشش را خواهند کرد که مطابق قوانین و اساسنامه‌های خود وسائل استقرار پناهندگان مزبور را غیر از سرزمین اصلی در سرزمین‌های دیگری که مسئولیت روابط بین‌المللی آنها را عهده‌دار می‌باشند تأمین نمایند. {وزارت عدلیه، ۱۳۸۵}

یافته های تحقیق

۱. استبداد کشورها باعث می‌گردد که بیشترین مردم وطن خویش را ترک به کشورهای بیگانه پناه ببرند.

۲. قوانین در نظام حقوقی بین‌المللی برای تشخیص مکلفیت‌ها و امتیازات پناهندگان وجود دارد. امانت در ضمانت اجرای این قوانین باعث شده که دولت‌ها قوانین بین‌المللی حقوق پناهندگی را بطور مطلق آن رعایت نکنند.

۳. در افغانستان قانون مشخصی برای تنظیم حق پناهندگی وجود ندارد. هرچند این کشور به کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگی ملحق گردیده است.

مباحثه

با وجودیکه در قوانین اساسی بیشترین کشورهای دنیا فصلی بنام حقوق اساسی اتباع درج میشود، اما بازهم حقوق اتباع پامال میشود و مردم به عنوان پناهنده به کشورهای بیگانه پناهنده می شوند. آیا دولت ها مستبد اند و یا اینکه یک تبعه به عنوان یک شر، به دولتش محسوب می شود؟ در اینجا نظام حقوقی بین المللی چی حقوق و امتیازات را برای یک پناهنده در نظر میگیرد؟

مناقشه

یافته های تحقیق نشان میدهد که قوانین مشخصی در جامعه بین المللی وجود دارد که حقوق و تکالیف پناهندگان را مشخص میکند. اما بآنهم عده ای از کشور ها این حقوق را رعایت نمی کنند. ضمن کدام ضمانت اجرا برای تضمین حق پناهندگی وجود ندارد.

در بعضی حالات اتباع کشور ها نیز امنیت و سلامت دولت ها را که جز لاینفک منافع ملی کشورها محسوب میشود به خطر مواجه میسازد.

نتیجه گیری

در بسیاری از کشور ها استبداد حکومت ها و در بعضی کشور ها عواملی مانند فقر اقتصادی، جنگ و تهدیدات باعث گردیده است که افراد یک کشور وطن خویش را رها کنند و به سرزمین های دیگر پناه ببرند. با اینکه این افراد در یک کشور بیگانه درخواست اقامت و تابعیت میکنند اینجاست که حقوق پناهندگی مطرح بحث قرار میگیرد. حقوق پناهندگی منحیث یک عرف بین المللی در بین کشور ها معمول بوده است و دولت ها باید به این حقوق احترام بگذارند.

کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگی و جایب دولت ها و حقوق پناهندگان را بیان کرده است. بنأ تمام دولت ها که به این معاهده ملحق شده اند مکلف هستند که به حقوق پناهندگان احترام بگذارند.

دولت افغانستان نیز منحيث یک کشور مستقل در نظام بين المللی به کنوانسیون فوق ملحق گردیده است. جالب این است که تا هنوز قانون داخلی پناهندگی را تدوین نکرده است. در صورت تقاضای تبعه کشوری به پناهندگی دولت افغانستان در مورد قانونی ندارد که حق پناهندگی را تنظیم کند.

پيشنهادات

۱. طرح و تدوین قانون پناهندگی توسط دولت افغانستان برای تنظیم حقوق پناهندگی. چون جهان امروز جهان ارتباطات و در عین زمان پر از چالش ها و مشکلات است و اتباع یک کشور از روی مجبورت به بعضی کشور ها به شمول افغانستان پناه میبرند.
۲. زمینه سازی پذیرش پناهندگی اتباع کشورهای جنگ زده و فقیر در کشور های پیشرفته توسط سازمان ملل متحد منحيث یک ارگان مهم بين المللی.
۳. تشریک مساعی و هماهنگی های لازم میان کشورهای جهان در قسمت حمایت پناهندگان در اطراف و اکناف جهان.

مأخذ

- قرآن کریم.
صارم، م. (۱۳۸۴). *قانون مدنی افغانستان*: انتشارات قدس.
عبد الله، ن. (۱۳۹۵). *شرح قانون مدنی افغانستان حقوق بين الملل خصوصی*، چاپ هشتم افغانستان: انتشارات سعید.
عمید، ح. (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*: میلاد نور.

فره‌یخته ، ش.(۱۳۷۷). فرهنگ فره‌یخته واژه ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی، چاپ یکم، تهران: انتشارات زرین - بهار شمالی.

ناصر ، و.(۱۳۹۵). حقوق بین الملل خصوصی تعارض قوانین ، تابعیت ، اقامتگاه ، و وضعیت حقوقی خارجی، چاپ سوم ، کابل :انتشارات سعید.

هاشمی ، س. (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادیهای اساسی، چاپ دوم ، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۲ محرم ۱۴۱۱ ق برابر با ۵ اگست ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ اسد ۱۳۶۹ اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره. برگرفته شده ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد. گرفته شده از ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر.

قانون اساسی افغانستان مصوب ۱۳۸۲.

وزارت عدلیه ، کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضع پناهندگان . کابل : جریده رسمی شماره (۹۰۲) سال ۱۳۸۵.

Sing.U. (1391). *political Science for law 5 years Degree Course*:Allahabad Law Agency.

Refugee Rights in the system of international law

By: Assistant Prof.
Noor Mohammad
Hashmat
Depart of Public
Law
Faculty of Law and
Political Science
Albironi University

Abstract

Refuge law is an important issue of international private law which has been entered in private international law in the recent years. Instability and development of war in the countries and violation of national and international law darken the issue of refuge. War and despotism causes that the citizens of a country become as a refugee in the other countries.

Therefore, in order to realize condition and rights of refugee, it's necessary to debate the rights of refugee very comprehensively. The aim of the debate and research is that, both refugee and the statesman awakening from the rights of refugee in the system of international law.

In this research qualitative and analytical methods of research will be used. We will use methods of library facilities, law and international documents will be used.

Key words: Refugee right, causes of refugee, refugees law condition in the international system.